

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

سید هاشم سدید

۱۱ می ۲۰۱۸

به باریکی های زبان باید توجه کرد!

بحث زبان، بحث گسترده ای است؛ چنان گسترده که اگر از ابتدای پیدایش آن، دوره های رشد و تکامل آن، تنوع و تعداد آن، تفاوت ها و قواعد هر زبانی و یک سلسله مطالب مربوط به علم زبان شناسی و ارتباط و بهره گیری آن با/از علوم و زیر مجموعه های علمی مانند فرهنگ شناسی، رفتارشناسی، بوم شناسی، باستان شناسی و... شروع و آن را تا امروز دنبال کنیم، شاید انجام آن برای کسانی مانند من چه از نظر ناشکیبائی و چه از نظر زمان و زندگی ممکن نباشد؛ گذشته از این که من در این نوشته قصد آن را ندارم که چیستی و چگونگی و تاریخ و گونه های مختلف زبان و جزئیات دیگر آن را مورد ارزیابی قرار بدهم، مخصوصاً زمانی که قابلیت و استطاعت و صلاحیت آن را در خود نمی بینم، زیرا پرداختن به ریشه و تاریخ و چیستی و چگونگی زبان و مطالبی مانند ارتباط، یا بهره گیری زبان با/از مسائل مثل دیرین شناسی یا مردم شناسی و غیره مطالبی هستند که برای عامه مردم نه زیاد خوش آیند می باشند و نه چندان ضروری، طوری که نوشتن مطلب در مورد زبان در واقع حکم نوشتن بر روی یخ و گذاشتن آن در معرض آفتاب را خواهد داشت.

پس به جای صرف وقت روی مطالب تخصصی و اکادمیک، بهتر است، به نظر من، اولتر از همه به موضوعاتی پردازیم و توجه کنیم که در زندگی روزانه خویش هر روز و هر لحظه با آن ها رو به رو هستیم؛ مانند کلمات "است" و "هست" که بعضاً بدون دلیل موجه و به طور نادرست یکی را به جای دیگری استفاده می کنیم؛ یعنی فعلی را که نقش کمکی دارد و در جمله ها اسنادی، یعنی نسبت دادن چیزی به کسی باید به کار رود، و یا نقش "محمول"، یعنی ارجاع دهنده به عنصر فعل و فاعل و مفعول در ساخت جمله را دارد به جای دومی که تنها برای بیان "وجود" درمقابل "عدم"، چه وجود عینی و چه وجود ذهنی، به کار می رود، استعمال می کنیم؛ یا "دور" را، که صفت است و از نظر زمانی و مکانی دارای معنای نقیض نزدیک می باشد به جای "دور"، اسم مصدر، که با ترکیب مصادر "زدن" و "گشتن" و "خوردن"، "دور زمانی مکانی": دور چیزی گشتن، چرخ زدن یا چرخیدن، مسیر حلقه واری را طی کردن، یا به اصطلاح امروز از کنار چیزی عبور نمودن، چیزی یا امری را نادیده گرفتن، به آن عنایت یا التفات نکردن یا ارزشی برای کسی، چیزی یا امری قائل نشدن معنا می دهد - به جای دور، متضاد قریب، مورد استفاده قرار می دهیم. یا ترکیب نادرست مصدر "دادن" را با لغت "آفرین"، که معنی ستایش و تمجید و تحسین را احتوا می کند، به جای ترکیب درست آن با مصدر "گفتن".

مصدر دادن، نه با کلمه آفرین، که با کلمه "آفرینی" ترکیب می شود: معلم چه گفت؟ آفرینی داد؛ یا آفرین گفت! و... این "آفرین"، یا "آفرینی"، جدا از آفرین و آفرینی است که ریشه در آفریدن، مترادف پدید آوردن و خلق کردن دارد.

مثال کاربرد کلمه آفرین را از نوشته داکتر صاحب سمیع الدین، که در دریچه ابراز نظریات پورتال افغان جرمن آنلاین اخیراً درج شده و بلاشبیه اشتباه تایپی است بدون کدام مقصد خاصی مطرح کردم. چون گشتن پشت مثال زیاد برای ذهن تنبل من کمی دشوار شده است، هر چه پیش آمد، خوش آمد؛ بدون کدام نظری خاص و بی احترامی به افراد قابل احترامی، مانند داکتر صاحب سمیع الدین یا دیگران آن را انتخاب نمودم!

کلمه "دور"، که در عنوان مقاله "اراده ملت را دور نزنید" به قلم داکتر صلاح الدین سعیدی به کار رفته و در پورتال آریانا افغانستان آنلاین "دور" نوشته شده است، به یقین به معنی فاصله زمانی یا مکانی، مخصوصاً با استفاده از کلمه "اراده" و مصدر "زدن" به کار نرفته است، زیرا من باور دارم که جناب داکتر صاحب صلاح الدین می دانند که ترکیب "دور زدن" در مسابقات ورزشی، به خصوص در نشانه زنی ها به کار برده می شود، نه در پس زدن یا نادیده گرفتن "اراده" یا "خواست" و یا "تقاضا"ی مردم از دولت - به طور مثال؛ چنانچه این کلمه با درک درستی که پورتال افغان جرمن آنلاین از آن داشته، همان گونه که در مقاله نوشته شده است، بدون زیر و زبر در این پورتال به نشر رسیده است.

زبان باریکی های بسیاری دارد. انتخاب حروف ربط یا حروف اضافه مناسب برای کلماتی مانند ضمیر، اسم، فعل، صفت یا قید و یا مفاهیم و معانی نهفته در کلمات و... یکی از این باریکی ها است که سوگمندان ما زیاد بدان ها توجه نمی کنیم. مثلاً به کار بردن حرف ربط "تا" به جای ترکیب "همین که"، هر چند برخی ها به این نظر هستند که جا به جایی این دو کلمه نادرست نیست، در جمله "تا حقوقم را دادند، قرض شما را می دهم"؛ با توجه به جمله "همین که حقوقم را دادند، قرض شما را می دهم." یا در جمله شرطی "چون شما بیائید، من می آیم"، که بهتر بود گفته می شد: "اگر شما بیائید، من می آیم"، یا "چون شما می آئید، من هم می آیم."

جملات "چون شما بیائید، من می آیم" یا "چون ایشان می آیند، من نمی آیم" را می توان در صورت بیان علت (تعلیل)، یا بهانه تراشیدن به کار برد، اما به صورت شرط استعمال آن چندان موجه نیست.

مثال های دیگر این که با افزودن حروف "با" و "بی" قبل از کلمه "واسطه" در معنای این کلمه طوری تصرف می کنیم که این کلمه شکل های معنایی مختلف و ضد هم به خود می گیرد. بنابر این بهتر است به این باریکی ها توجه خاص مبذول گردد.

به کلمات "از" و "در" در دو جمله زیر توجه شود که با مصادر مخصوص و مناسب حروف "از" و "در" چگونه در معنای جملاتی که به گونه نمونه یاد می شود، دخل و تصرف می کند: "از بر کردن." و "در بر گرفتن." فراموش نباید کرد که شکل و ترکیب جمله و انتخاب حروف و کلمات در جمله تابع پیامی است که گوینده یا نویسنده می خواهد آن را به شنونده یا خواننده خویش انتقال دهد. اگر انتخاب حروف و کلمات و مفاهیم با دقت و به درستی صورت گیرد، پیام بدون مشکل و به گونه گویا انتقال خواهد یافت.

نوشتن حرف اضافه "به" به جای "در"، مثلاً در جمله "من بیشتر مطالعاتم را به کتابخانه می کنم" به جای "من بیشتر مطالعاتم را در کتابخانه می کنم". یا صورت استعمال "ء"، "ی"، "ای" یا "ئی" قبل از "که"ی موصول که "که"ی پیوند دهنده نیز یاد می شود و مطالبی با این قالب یا فرم نیز قابل دقت هستند.

زمانی در نوشته ای دیدم که نویسنده بدون توجه به معانی کلمات "رو" و "بالا" این جمله را به کار برده بود: "قلم من بالای میز بود." منظور وی حتماً قرار داشتن قلم روی میز بوده است، نه در جو یا فضای بالای میز؛ آنگونه که در پرواز راکتی از بالای خانه ای سخن گفته می شود؛ یا از صدر تالاری صحبت به میان می آید و...

مطابقت حروف اضافه و حروف ربط با افعال و ضمائر و... در صورتی که دو فعل در یک جمله به کار برده می شود و هر یک از دو فعل حرف مختص به خود را به کار دارد. برای مدلل شدن به کلمات "ارتباط و" بهره گیری" در سطر دوم همین نوشته و حروف با/از مراجعه شود؛ و دیده شود که چگونه دو حرف - یکی مختص کلمه ارتباط و دیگری برای ترکیب بهره گیری به کار رفته است. یا مطابقت فعل با فاعل در اسمای جمع و مفرد. یا اجتناب از به کار بردن مصدر واحدی برای دو عمل متمایز در یک جمله که ایجاب مصادر جداگانه را می کنند؛ علی الخصوص اجتناب از استعمال کلمات ثقیل و مهجوری که سال ها و قرن ها از استفاده برآمده اند و...

توجه به این باریکی ها و باریکی های مانند این ها به طور مثال، که شاید کم هم نباشند، به خصوص از جانب قلم به دستان و به طور اخص از جانب گردانندگان رسانه های گفتاری، نوشتاری یا دیداری، به خصوص کسانی که نوشته ها را تصحیح می کنند، بسیار ضروری است؛ چرا که چشم و گوش عامه مردم امروز بیشتر به همین هاست، تا به آنانی که سر و کارشان با قلم و کتاب و نوشته و موعظه و توصیه و تذکیر و رهنمود دادن نیست.

۲۰۱۸/۰۵/۰۹